قتل به خاطر اختلاف مالی

اختلاف مالی دو مرد و درگیری آنها، رنگ خون گرفت.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده پس از گزارش مرگ مشکوک مرد جوانی در کرج در دستورکار تیم جنایی این شهر قرار گرفت. بازپرس ویژه قتل پس از حضور در محل، دریافت این مرد پس از درگیری فیزیکی به‌دلیل برخورد سرش با جدول کنار خیابان دچار مرگ مغزی شده‌بود. تحقیقات محلی نشان داد، مقتول روز حادثه به محل کار قاتل در یک داروخانه رفته و به‌دلیل اختلافی که داشتند با همدیگر درگیر شده و در این درگیری قاتل با ضرب و شتم مرد جوان او را هل‌داده و در اثر آن نقش زمین شده و سرش به جدول کنار خیابان برخورد کرده‌بود.

در ادامه مخفیگاه متهم در منطقه اشتراکی کرج شناسایی‌شد و ماموران با دستور قضایی متهم را دستگیر کردند او در بازجویی‌ها به قتل با انگیزه اختلاف مالی اعتراف‌کرد.

جزئیات قتل دلخراش دختر ۱۳ ساله تالشی توسط پدرش

جنایت به سبک خانه پدری

گروه حوادث

ماجرای خانه کلبحسن در فیلم «خانه پدری» بعد از ۹۰ سال این‌بار در خانه‌ای در تالش تکرار شد و پدری، دختر ۱۳ساله‌اش را به جرم فرار از خانه کشت؛ خبری که دیروز به داغ‌ترین سوژه شبکه‌های اجتماعی تبدیل‌شد.

عکسش در حالی که لبخندی بر لب دارد، خیلی سریع در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. خبر قتلش دردناک بود و با واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شد. آن‌طور که سایت‌های محلی گفته‌اند، اهل بخش حویق از شهرستان تالش بود و ۱۳ سال داشت. چند روز قبل برای رسیدن به آرزوهایش از خانه فرار کرد؛ خانه‌ای که می‌دانست برگشت به آن، نه‌تنها آرزوهایش را، بلکه زندگی‌اش را به خط پایان می‌رساند. به همین خاطر با پسر موردعلاقه‌اش شرط کرد رفتن‌شان بی‌برگشت باشد. پسر جوان هم دل در گروی عشق او داشت. می‌دانست تنها راه رسیدن به رومینا، فرار است. سرانجام وسایل‌شان را جمع‌کرده و پا در مسیری خطرناک گذاشتند. به گفته یکی از اهالی، پسر موردعلاقه رومینا اهل تالش بود، اما اختلاف سنی او با دختر نوجوان باعث شد پدر رومینا با این وصلت مخالفت‌کند. پدر رومینا بعد از اطلاع از ناپدیدشدن دخترش خود را به اداره آگاهی رساند و از پسر جوان به اتهام آدم ربایی شکایت کرد. بعد از این شکایت ماموران تحقیقات خود را آغاز کرده و دختر و پسر فراری را دستگیر کردند. روزی که پدر به دنبالش آمد، می‌دانست نه‌تنها به پایان خط فرارسیده، بلکه شمارش معکوس برای پایان زندگی‌اش هم آغاز شده‌بود. پدر در مسیر سکوت کرده‌بود. این سکوت، وحشت رومینا را دوچندان کرده‌بود. فضای خانه هم برای رومینا سنگین بود. پدر به تنها چیزی که فکر می‌کرد، پاک‌کردن این لکه ننگ بود. غروب، چشمان رومینا خسته خواب شد و در گوشه اتاق به خواب رفت. پدر با خشم سراغ داسش رفت، آن را برداشت، بالای سر رومینا ایستاد. داس را محکم در میان انگشتانش فشرد و تیزی آن را روی گلوی دخترش کشید. بعد از قتل خود را به کوچه رساند و درخواست کمک کرد اما دیر شده بود.

سرپرست معاونت اجتماعی پلیس استان گیلان در این‌باره به جام جم گفت: پس از گزارش ماجرا به پلیس و تحقیقات مقدماتی مشخص شد، مردی ۳۷ساله دخترش را با وارد کردن ضربات یک جسم تیز و برنده به ناحیه گردن به قتل رسانده‌است، افزود: قاتل در محل وقوع جرم دستگیر شد.

سرهنگ مجید رسول‌زاده فرساد افزود: متهم، علت و انگیزه قتل دخترش را اختلافات خانوادگی و فرار او از منزل به قصد ازدواج با مردی ۳۰ساله برخلاف رضایت او به دلیل اختلاف سنی زیاد عنوان‌کرد.

ورود بهزیستی به ماجرا

پس از این ماجرا بهزیستی گیلان به ماجرا ورود پیدا کرد و روان‌درمانی دیگر اعضای این خانواده آغاز شد. معاون امور اجتماعی بهزیستی گیلان دیروز اعلام کرد: قتل دختر ۱۳ساله توسط پدر در شهرستان تالش نمونه‌ای از نقض آشکار حقوق کودک توسط فردی است که بیشترین انتظار حمایت و پشتیبانی از او در جهت رشد، تربیت و پرورش صحیح کودک به‌دلیل فقر آگاهی و وجود باورهای متعصبانه بوده‌است.

دکتر رضا جعفری افزود: به‌دلیل ماهیت جرم، دادستان مطابق با ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به‌عنوان مدعی‌العموم ورود پیدا کرده‌است.

بررسی‌ها نشان داده، رابطه رومینا و پسر جوان ابتدا به‌صورت مجازی آغاز شده و وقتی این موضوع به گوش پدر رومینا رسیده او از دخترش خواسته به این رابطه پایان‌دهد. اما دختر نوجوان به‌خاطر جو پرتنش خانه و علاقه به پسری که ۱۷ سال از او بزرگتر بود، به این رابطه ادامه می‌دهد. رومینا در ادامه تنها راه نجات را فرار از خانه می‌بیند و همراه پسر جوان فرار می‌کنند.

دستور رسیدگی

معاون رئیس جمهور با صدور دستوری ویژه، خواستار رسیدگی به پرونده قتل رومیناشد. معصومه ابتکار مسؤول حقوق شهروندی معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری را موظف به پیگیری این پرونده کرد.

بازارپیج سازی در اینستاگرام

برخی کاسبان فضای مجازی، وقتی متوجه بازنشر این خبر شدند، صفحاتی جعلی با نام دختر نوجوان در اینستاگرام باز کردند تا بتوانند دنبال‌کننده‌هایی را جذب کنند. کافی است نام و فامیل رومینا را در این شبکه بزنید تا باده‌ها صفحه به اسم او روبه‌رو شوید.

پشیمانی بعد از قتل

آقایی، معاون پیشگیری از وقوع جرم دادگستری گیلان عصر دیروز در خصوص روند پیگیری این پرونده گفت: بیست و هشتم اردیبهشت امسال، این دختر به همراه پسری ۲۹ ساله متواری می‌شود و یک روز پس از آن پدر این دختر شکایتی تحت عنوان آدم‌ربایی در دادسرای شهرستان آستارا مطرح می‌کند. پس از پیدا شدن دختر، با اطلاع‌رسانی دادسرا؛ پدر و مادر و بستگان دختر به دادسرا مراجعه می‌کنند و دختر را مورد تفقد و لطف قرار می‌دهند. بازپرس با مشاهده این‌که پدر از روی مهربانی و گذشت از اشتباه دختر چشم‌پوشی کرده است، وی را تحویل خانواده می‌دهد. پس از این‌که فرزند تحویل خانواده می‌شود آنها شب را در خانه یکی از بستگان در آستارا ساکن می‌شوند و شرایط معمولی و طبیعی بوده است، ولی فردای آن روز به روستای خود مراجعت می‌کنند و مشخص نیست آنجا چه اتفاق غیرعادی افتاده است که هنگام غروب و وقتی دختر در خواب بوده، پدر، دختر خود را به قتل می‌رساند. پدر این دختر بلافاصله پس از این اقدام از کار خود پشیمان می‌شود و از خانه بیرون می‌آید و تقاضای کمک می‌کند که بی‌فایده است. پدر دختر در حال حاضر در بازداشت است و تحقیقات تکمیلی درباره انگیزه و علت قتل ادامه دارد.

وی برخی شایعات مطرح شده در فضای مجازی مبنی بر اعتیاد پدر دختر به مواد مخدر را رد کرد و گفت: این‌که گفته می‌شود این فرد به مواد مخدر اعتیاد داشته است، صحت ندارد و همچنین پدر فاقد هرگونه سابقه کیفری بوده است. معاون پیشگیری از وقوع جرم دادگستری گیلان با بیان این‌که این دختر، قربانی خشونت خانوادگی شده است، افزود: فارغ از انگیزه پدر در به قتل رساندن دختر خود، چنین جنایتی به هیچ عنوان از نظر قانون قابل پذیرش نیست و این پرونده به صورت ویژه رسیدگی خواهد شد.

۲ روایت متفاوت

ماجرای فرار رومینا در منطقه پیچیده بود و پدر طاقت نگاه سنگین اهالی را نداشت. به همین خاطر تنها راه نجات خود از زیر سایه این نگاه‌های سنگین را قتل دخترش دید. بهمن ۳۴ساله یک‌سوی این ماجراست؛ پسری که رومینا عاشق او بود و فکر می‌کرد فرار با او می‌تواند زندگی بهتری برایش رقم بزند. بهمن در گفت‌وگویی با سایت میدان، درباره ارتباطش با رومینا گفته‌است: «چند سالی بود که عاشق هم بودیم و بالاخره تصمیم گرفتم تا یک نفر را بفرستم و او را از پدرش خواستگاری کنم اما مخالفت کردند. به همین خاطر هم دختر به من گفت که پدرم رضایت نمی‌دهد و باید فراری‌اش بدهم. همین شد که با هم فرار کردیم و پنج روزی ناپدیدشدیم. بعد از این ماجرا بود که پدرش در پاسگاه حویق از من به جرم آدم‌ربایی شکایت کرد. وقتی پاسگاه دختر را خواست، او هم به آنها گفت که به خواست خودش با من آمده است. ولی پدرش بی‌خیال نشد. در آگاهی آستارا هم از من شکایت کرد. موقع بازجویی من گفتم که آن دختر را دوست دارم و اجباری در کار نبوده و دختر هم در بازجویی این حرف‌ها را تایید کرد. یک شب در بازداشتگاه ماندم اما درنهایت تبرئه شدم.»

یکی از بستگان می‌گوید: متهم دو فرزند داشت که یکی از آنها رومینا بود و پسری حدود شش‌ساله دارد. پسر جوان با حرف‌هایش رومینا را اغفال کرده‌بود. او عکس رومینا را در فضای مجازی منتشر کرده‌بود. اگر غیرت داشت این کار را نمی‌کرد. پسر جوان با این کار باعث شد پدر رومینا عصبانی شود. او بعد از این ماجرا برای خواستگاری پا پیش نگذاشت و خانواده‌اش مدعی‌شدند قصدی برای ازدواج آنها ندارند. رفتارهای این پسر باعث شد پدر رومینا به مرز جنون برسد و دخترش را بکشد. او رومینا را خیلی دوست داشت و خیلی سعی کرد او از فکر این پسر بیرون بیاید.

پس از افشای این جنایت هولناک دادستانی و معاون رئیس جمهور به ماجرا ورود پیدا کرده و تحقیقات برای افشای ابعاد آن آغاز شد

جزئیات مرگ زن کرمانشاهی از زبان دخترش

مادرم کپرنشین نبود

فاطمه شیخ علیزاده
حوادث

آسیه و دخترش دو سه روزی بود که در اراضی مورد نظر شهرداری در اتاقکی ساکن شده بودند و فکرنمی‌کردند به این زودی کسی برای بیرون‌کردن آنها از زمین‌هایی با کاربری کشاورزی اقدام کند. نتیجه درگیری زن میانسال با ماموران شهرداری کرمانشاه چیزی نبود جز سکته قلبی منجر به فوت. روایت این حادثه را از زبان دختر این زن دنبال کنید.

به گزارش خبرنگار جام جم، خبر فوت زن کرمانشاهی در درگیری با ماموران شهرداری خیلی سریع کاربران فضای مجازی را تحت تاثیر قرار داد. در اولین خبر عنوان شده بود که آسیه پناهی کپرنشینی بوده که هنگام خراب‌کردن کپر مورد ضرب و شتم ماموران شهرداری قرار گرفته و جان خود را از دست داده است. اما نه خبری از ضرب و جرح در این ماجرا بوده و نه آن زن کپرنشین بود. روستای سراب بخش سرفیروزآباد کرمانشاه، همان روستای دورافتاده‌ای است که زادگاه آسیه پناهی است که تا همین چند سال قبل در همین روستا زندگی می‌کرد. پیکر این زن ۶۰ ساله ظهر شنبه ۵ خرداد در قبرستان این روستا به خاک سپرده شد. سمیه دختر آسیه که روز حادثه همراه مادرش بود به جام جم می‌گوید: «چهار پنج سالی می‌شد که همراه دختر ۱۲ ساله و مادرم در یک خانه کرایه‌ای در اطراف شهرک فدک کرمانشاه زندگی می‌کردیم. مادرم با پس‌اندازش زمینی در شهرک فدک خریده بود که سند و مجوز ساخت ندارد. مادرم با کارگری در باغ و خانه‌های مردم، من و پنج خواهر و برادر دیگرم را سر و سامان داد، اما این اواخر دیگر توان پرداخت اجاره خانه نداشتیم و مادرم گفت در زمین خودمان یک اتاقک بسازیم و همان جا زندگی کنیم.»

۳۱ اردیبهشت، دو سه روزی می‌شد که آسیه، دختر و نوه‌اش در زمین خودشان در یک اتاقک ساکن شده بودند که ماموران شهرداری سر رسیدند: «چند مامور آمدند و گفتند باید اتاقک را خالی کنیم و مادرم مقاومت می‌کرد و می‌گفت جایی برای زندگی نداریم. یکدفعه یکی از آنها برای این‌که ما را مجبور کند آنجا را ترک کنیم گاز اشک‌آور زد و بعد هم با اردوگاه چشمه سفید -که محل نگهداری افراد بی‌خانمان و متکدیان است- تماس گرفتند که ما را به آنجا منتقل کنند و اتاقک را هم خراب کردند. در راه رسیدن به اردوگاه حال مادرم بد شد. می‌گفت حالت تهوع و سرگیجه دارد. او سابقه بیماری قلبی و تنفسی داشت. نه این‌که جراحی شده باشد اما دارو مصرف می‌کرد. فکرش را نمی‌کردم که این بار حالش به حدی بد شود که منجر به فوت او شود.»

منصوری، مدیر اردوگاه چشمه سفید در مورد شرایط جسمی آسیه بعد از انتقال به اردوگاه به جام جم گفت: «حال زن میانسال در همان بدو ورود به اردوگاه به حدی بد بود که حتی او را از ماشین هم پیاده نکرده و سریع اورژانس را خبر کردیم. وقتی امدادگران اورژانس از راه رسیدند، فوت او را اعلام کردند و جسد راهی پزشکی قانونی شد.»

پزشکی قانونی علت فوت را سکته قلبی و مغزی همزمان ناشی از تنگی نفس و فشار عصبی اعلام کرده است. سمیه در ادامه گفت: «مادرم مورد ضرب و جرح قرار نگرفته بود، اما ما از ماموری که گاز اشک‌آور زد شکایت داریم.»

مهدی قنادی، مسؤول روابط عمومی دادسرای عمومی و انقلاب کرمانشاه هم اعلام کرد: «چنانچه مشخص شود فرد یا افرادی در مرگ این زن مقصر بوده‌اند بدون اغماض با آنها برخورد خواهیم کرد.»

رستمی، قائم مقام اداره کل پیشگیری و رفع تخلفات شهری که روز حادثه مسؤول عملیات مبارزه با زمین‌خواری بود در مورد وضعیت زمین‌های اطراف شهرک فدک اینطور توضیح داد: «برای جلوگیری از ساخت و ساز غیرمجاز منطقه که کاربری کشاورزی دارد، بارها اقدام کرده بودیم. روز حادثه با هماهنگی قضایی به محل رفتیم. قسمتی از این اراضی فضای سبز شهرداری بوده و ساخت و ساز در آنجا غیرمجاز است.»

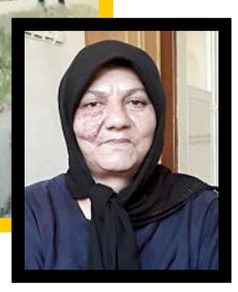

آخرین تلاش‌های زن سالخورده برای جلوگیری از تخریب اتاقکش

تلنگر

سقوط مرموز زن و مرد جوان از طبقه چهارم

سقوط مرگبار زن و مردی از طبقه چهارم ساختمانی در غرب تهران، پلیس را در برابر معمایی پیچیده قرار داد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۲۲و۵۰ دقیقه شامگاه دوشنبه پنجم خرداد امسال، یکی از ماموران کلانتری شهرزیبا با مصطفی واحدی، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و او را در جریان سقوط مرگبار زنی ۳۲ساله و مرد ۳۵ساله‌ای که به فاصله پنج دقیقه از تراس طبقه چهارم ساختمانی در غرب تهران به پایین پرت‌شده و فوت‌کرده‌اند، قرار داد. تحقیق از همسایه‌ها نشان می‌داد مرد فوت‌شده ساکن طبقه چهارم بوده اما زن فوت‌شده را نمی‌شناسند. ماموران وقتی وارد آپارتمان طبقه چهارم شدند، زن صاحبخانه مدعی شد آن شب در خانه‌شان مهمانی بوده و نمی‌داند زن جوان که دانشجوی پزشکی بود و همسرش چرا به پایین ساختمان پرت‌شده‌اند. نامزد آن دختر و دیگر مهمان‌ها بعد از حادثه فرار کردند و من از ترس خودم را در خانه زندانی کردم.

با توجه به اظهارات ضد و نقیض این زن او بازداشت شد و تحقیقات از وی ادامه دارد.

قتل همسر به خاطر چت با همکاران

مردی که بعد از قتل همسرش جسد تکه‌تکه شده او را در حوالی شهریار دفن کرده بود، پس از ۱۰روز سکوتش را شکست.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۲۰ و ۲۲دقیقه بیست و ششم اردیبهشت امسال زنی با مراجعه به پلیس آگاهی تهران شکایتی مطرح کرد مبنی بر این‌که خواهرش بهیار بیمارستان بوده و به خاطر اختلاف با همسرش در خانه دیگری زندگی می‌کرده، اما چند روز پیش وقتی برای دیدن پسرش به خانه آنها رفته ناپدید شده ولی خودروی خواهرش همچنان در آن خانه پارک بوده و احتمال می‌دهد بلایی سر او آمده باشد.

پرونده‌ای در شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران تشکیل شد و ماموران از شوهر و پسر این زن تحقیق کردند که آنها گفتند وی به خانه‌شان آمده، غذا پخته و بعد به خانه خودش رفته است. چون خانه‌اش پارکینگ نداشته خودرو را در خانه آنها پارک کرده است.

متهم هنگام برداشت از حساب همسرش

شوهر این زن در تحقیقات بعدی گفت، همکاران زنش به او گفته‌اند وی به آنها پیامک زده و اطلاع داده برای سفر به خارج از کشور رفته است. این در حالی بود که ماموران متوجه شدند این مرد ۱۵میلیون تومان از حساب بانکی زنش برداشت و به حساب پسرش واریز کرده است. دو روز پیش او به عنوان مظنون بازداشت شد و دیروز به قتل زنش اعتراف کرد و گفت: ما سال ۸۰ با هم ازدواج کردیم اما با داشتن پسر ۱/۵ ساله جدا شدیم. بعد من دوباره ازدواج کردم که با دخالت زن اولم زندگی‌ام به جدایی کشید. ۸۰ سکه از مهریه ۲۸۴ سکه‌ای همسر دومم را دادم و قرار شد بقیه آن را هردو ماه یك سکه بدهم. سال ۸۸ با زن اولم دوباره ازدواج کردم. او مدام می‌گفت برویم شمال و نزد خانواده‌اش زندگی کنیم که قبول نکردم. پدرش فوت شد و مادرش برای ادامه زندگی به تهران آمد که شهریور سال گذشته فوت کرد و این اتفاقات باعث شد حال روحی همسرم خراب شود و جدا زندگی کند. روز قتل برای دیدن پسرمان و پختن غذا آمد. گوشی تلفنش را بررسی کرده و متوجه شدم، مدام با دوستان و همکارانش در واتس‌اپ و تلگرام حرف می‌زند و تحت‌تاثیر حرف‌های آنها نمی‌خواهد نزدمان بازگردد. بحثمان شد و او ابتدا با سنگی که گردو می‌شکستیم به پایم زد. من هم عصبانی شده و سیم کنار تلویزیون را برداشتم و او را خفه کردم، جسدش را تکه تکه کرده و در صندوق عقب انداختم. بعد هم در بیابان‌های اطراف شهریار دفن کردم.

متهم روانه بازداشتگاه پلیس شد و تحقیقات برای کشف جسد ادامه دارد.